

بحث: نسخ و تخصیص

مقدمه اول:

وقتی نسبت دو دلیل با یکدیگر، عموم و خصوص مطلق باشد، گاهی در حکم با یکدیگر موافق هستند (مثل اینکه هر دو موجب و یا هر دو سالبه‌اند) و گاهی در حکم با یکدیگر مخالف هستند:

عام موجب، خاص موجب: اکرم العلما، اکرم العلما العدول (یک)

عام موجب، خاص سالبه: اکرم العلما، لا تکرّم العلما الفساق (دو)

عام سالبه، خاص موجب: لا تکرّم الفساق، اکرم العلما الفساق (سه)

عام سالبه، خاص سالبه: لا تکرّم الفساق، لا تکرّم العلما الفساق (چهار)

[توجه شود که ممکن است تخالف دو دلیل، از حیث سالبه بودن و یا موجب بودن نباشد، بلکه یک دلیل به صراحت بگوید عام واجب است و دلیل دیگر بگوید خاص مستحب است و نتوانیم آن را حمل بر وجوب در اصل و استحباب در صفت کنیم]

در فروض (یک) و (چهار)، تخالفی بین دو دلیل نیست و لذا تخصیص هم مطرح نیست. اما در فروض (دو) و (سه)، این بحث مطرح است که رابطه دو دلیل با یکدیگر تخصیص است و یا نسخ است.

ما می‌گوییم:

چنانکه در تقریر بحث مطرح کردیم، عمده علما بحث را در رابطه بین عام و خاص مطلق مطرح کرده‌اند و گفته‌اند موضوع بحث «تخصیص یا نسخ» است. اما مرحوم شیخ انصاری، می‌فرماید موضوع بحث «بیان یا نسخ» است و لذا بین عام و خاص من وجه هم این بحث جاری است:

«أنّه لا وجه لتخصیص محلّ الکلام بالعامّ و الخاصّ المطلقین، إذ بعد ما صرّح جماعة بجریانه فی العامّین من وجه - کالتفتازانی و صاحب المعالم و الفاضل الشیروانی - أنّ ملاک البحث موجود فيه أيضا، فإنّه لو فرض تأیید أحد العامّین بما یوجب التقدیم من دعوی ظهور ناش عن قلّة الأفراد - كما قیل - مثلا، فیمكن أن ینازع فيه أنّ ذلك المقدم هل هو بیان أو نسخ؟ و بعد وجود الملاک و تصریح جماعة بالشمول لا وجه للتخصیص، مع أنّه لیس فی کلامهم عنوان آخر له.»^۱

توضیح:

^۱ . مطارح الانظار، ج ۲، ص ۲۲۷



اگر بین دو دلیل عموم من وجه بود (اکرم العلما و لا تکرّم انسان‌های دارای ۳ دست) اگر به هر جهت، پذیرفتیم که «لا تکرّم انسان‌های ...» مقدم است، این سوال مطرح است که آیا این تقدیم به نحو بیان است (یعنی اکرم العلما الا علمای دارای ۳ دست) و یا ناسخ است (اکرم العلما اصلاً لازم نیست چه ۳ دست و چه غیر ۳ دست)

مقدمه دوم:

قبل از طرح بحث اشاره کنیم که مشهور معتقدند که «نسخ در صورتی واقع می‌شود که بعد از وقت عمل به دلیل وارد شده باشد» پس:

(الف) شارع شنبه گفته است: «اکرم العلما از روز دوشنبه» و یکشنبه گفته است: «لا تکرّم الفساق من العلما از روز دوشنبه»

این تخصیص است

(ب) شارع شنبه گفته است: «اکرم النحوی از روز دوشنبه» و روز یکشنبه گفته است: «لا تکرّم العلما از روز دوشنبه»، این هم تخصیص است.

(ج) نسخ تنها در صورتی است که اگر شنبه شارع گفته است «اکرم النحوی از روز دوشنبه» روز سه‌شنبه بگوید «لا تکرّم العلما». و یا اگر روز شنبه گفته است «اکرم العلما از روز دوشنبه»، روز سه‌شنبه بگوید: «لا تکرّم الفساق من العلما».

ولی اگر گفتیم نسخ می‌تواند قبل از وقت عمل باشد (قول مخالف مشهور):

در فرض (الف)، امر دائر مدار آن است که دلیل خاص ناسخ باشد و یا مخصص.

در فرض (ب)، امر دائر مدار آن است که دلیل خاص منسوخ باشد و یا مخصص.

البته مرحوم آخوند در همین صورت هم در فرض (الف) و (ب) احتمال تخصیص را ترجیح می‌دهد و دلیل می‌آورد که «ظهور عام در عموم افرادی» از ظهور خاص در استمرار اقوی است. (یعنی اگر شنبه گفته شده باشد: «اکرم النحوی» و روز یکشنبه گفته شود: «لا تکرّم العلما»، اگر به تخصیص قائل شویم، می‌گوییم همه علما را اکرام نکنید و نحوی را اکرام کنید (استمرار) ولی اگر به نسخ قائل شویم، می‌گوییم هیچ یک از علما را اکرام نکنید، حتی نحوی را (عموم افرادی)، و تخصیص چون کثرت دارد و نسخ قلیل است، تخصیص را ترجیح می‌دهیم:

«ثم إن تعین الخاص للتخصیص إذا ورد قبل حضور وقت العمل بالعام أو ورد العام قبل حضور

وقت العمل به إنما یکون مبنیاً علی عدم جواز النسخ قبل حضور وقت العمل و إلا فلا یتعین

له بل یدور بین کونه مخصصاً و ناسخاً فی الأول و مخصصاً و منسوخاً فی الثانی إلا أن الأظهر

کونه مخصصاً و إن کان ظهور العام فی عموم الأفراد أقوى من ظهوره و ظهور الخاص فی



الدوام [الخصوص] لما أشير إليه من تعارف التخصيص و شيوعه و ندره النسخ جدا في الأحكام.^١



^١ . كفاية الاصول، ص ٢٣٨